

## دکتر محمد اسماعیل اکبری

### استاد دانشگاه

### حالا چی شده؟

از قدیم و ندیم وقتی مدیریت علمی مطرح شد، در کتاب‌های درسی و غیردرسی و در مکاتب نوشته شده و نشده موضوع منابع مالی از اهمیت زیادی برخوردار بوده است، اما تعریف منبع در مدیریت‌های گوناگون با هم متفاوت بوده‌اند، به هر حال آنچه مقبول افتاده این است که ۳ نکته اساسی در منبع وجود دارد که هر یک را نبینیم یا کوچک ببینیم یا ناقص عمل کنیم، منبع تعبیر دیگری پیدا می‌کند و شاید از تعاریف علمی و عملی خارج شود و در مکتب ما اشکال جدیدی هم پیدا می‌شود که به قول رییس محترم کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی پرونده‌اش را در آن دنیا می‌خوانند و متهمانش را در دنیای باقی محاکمه می‌کنند.

و اما ۳ نکته اساسی:

اول: تولید منبع (Resource Generation) در مدیریت و با مصداق، مدیریت سلامت شرط اول تولید منبع است. یعنی اینکه باید برای تامین سلامت مردم مدیران منبع و منابعی ایجاد و آن را در محاسبات خود وارد کنند. منظور از تامین منبع یعنی فراهم آوردن امکانات مالی و تجهیزاتی و نیروی انسانی برای یک یا چند برنامه مرتبط با سلامت که ما در اینجا منبع را فقط پول یعنی منبع مالی تعریف می‌کنیم تا کار آسان‌تر شود و بتوانیم راحت‌تر مدیریت جاری خودمان و دیگران را ارزشیابی کنیم.

دوم: تخصیص منبع: «Resource Allocation» آنچه را به عنوان منبع در اختیار گرفته‌اند چگونه و برای چه کاری تخصیص می‌دهند. در مثال حکومت این است که چقدر منبع مالی برای سلامت است، چقدر

برای آموزش، چقدر برای امنیت و چه میزان برای حفظ محیط‌زیست که در حقیقت روابط بین‌بخشی را در ساختارهای حکومتی تبیین می‌کند نه آن تعریفی که به کوتاهی بررسی محیط‌زیست مصطلح شده است و در مصداق سلامت بودجه تعیین شده چه میزان برای ارتقای سلامت، چقدر برای پیشگیری از بروز بیماری‌ها و چه میزان برای درمان آنها یا تسکین توانبخشی مردم تخصیص داده می‌شود.

سوم: مدیریت منبع «Resource Management» به هر حال آنچه منبع تعریف شده تخصیص داده شده حالا چگونه مصرف می‌شود؟ آیا در این مصرف موضوع اصراف و تبذیر را در نظر گرفته‌ایم و آیا از ریال‌های مردم به خوبی مواظبت کرده‌ایم؟

شاخص‌هایی که برای ارزشیابی این ۳ نکته مهم وجود دارد اسامی مختلفی مثل ضریب جینی و سلامت رفتار دارند که همه زیر چتر «عدالت» قرار می‌گیرد. منظور از «عدالت» پاسخگویی به نیازهای همه مردم است و رعایت عام جامعه نه گروهی خاص یا عده‌ای اخص. با هر معیاری که مردم را مبنای توصیه قرار دهیم و آنها را ارزشیابی کنیم، فرق نمی‌کند، فقط مردم را از قلم نیندازیم و مولفه‌های سیاسی - اجتماعی، گروهی و... را مدنظر قرار ندهیم.

ذکر ۲ مثال موضوع عدالت را حداقل در حوزه سلامت بهتر معرفی می‌کند. وقتی هندی‌های تازه از نیمه رسته را به قول امروزی‌ها در تحریم‌های اقتصادی اجتماعی قرار دادند، مدیران آنها بودجه حوزه سلامت را از کیسه نه چندان پریشان ۲ برابر کردند. یعنی دانستند که وقتی سهم همه حوزه‌ها کم می‌شود، اجباراً سلامت بیشتر زیان می‌بیند و باید از دور مراقبت کرد و بودجه آن را افزایش داد. مثال دوم موقعیتی است که برای خودمان درست کردند، جوان‌ها یادشان نیست اما هم‌سن و سال‌های ما خوب به یاد دارند که وقتی تازه از یوغ اجانب و اذناش رها شده بودیم و قرار بود خودمان منابعمان را تعریف، تخصیص و مدیریت کنیم، گربه‌ای وحشی را از قفس رها کردند و به جانمان انداختند تا باز هم یا آنها مدیران اصلی منابع شوند یا

حداقل چگونگی هزینه آنها را در مسیری که می‌خواهند برایمان تبیین کنند. انقلاب شده بود و نیازهای مردم روشن‌تر و مدیران هم سالم و سرحال، اما گریه وحشی امان نمی‌داد و گفتارها هم چشم به راه نشسته بودند، اما عدالت شاخص شده بود که به خوبی مورد نظر بود و همه مواظب بودند آن را از قلم نیندازند. امنیت، سلامت و آموزش ۳ وظیفه اصلی حکومت تعریف شده بود، اما نکته اینکه مدیران هم به خوبی این شاخص را می‌شناختند. وزارت بهداشت آن روز طرحی را به مجلس شورای اسلامی برد که اگر به ما پول بدهید، استان به استان خدمت‌دهی را از شهرهای بزرگ به روستاها می‌بریم، و به نیازهای جامعه جواب می‌دهیم.

مجلس‌های آن روز که هنوز بهارستانی هم نشده بودند اما با تک‌تک سلول‌های بدن خود عدالت را می‌شناختند و به این درخواست، پاسخ مثبت دادند. بودجه سلامت را افزودند و افزودند، در حدی که حرفی تازه در مملکت زده و خونی تازه در رگ‌های جامعه جاری شد و ساختار اصلی سلامت در کشور شکل گرفت و آن نهال کوچک به درختی تبدیل شد و بعد همه شروع کردند به میوه چیدن از آن روز تا امروز و هر روز و همه روز و همه هنوز از همان درخت میوه می‌چینیم و پز آن را می‌دهیم. غرض از ذکر این مثال‌ها توجه به سلامت در چارچوب‌های حکومتی بود، اما حالا چی شده؟

نظام اقتصادی دنیا به هم خورده، تورم پلک‌ها را متورم کرده و چشم را بسته و پول تعریف دیگری پیدا کرده است. در کشورمان هم موضوع حذف یارانه‌ها و حمایت مصرف آنها مساله اصلی مالی کشور شده است. دست‌اندرکاران تا حدود زیادی یادشان رفت باید مواظب سلامت باشند، اما این بار بهارستانی‌ها حواسشان جمع بود. سال پیش مبلغ هنگفتی از بودجه یارانه‌ها برای سلامت کنار گذاشتند که مجریان صلاح ندیدند آن را به سلامت بدهند و گویا موضوع اضافه‌کاری عزیزانمان در اداره راه و ترابری اولویت بیشتری داشت یا اصلا اولویت معنی نداشت بلکه هر تقاضایی که پر سر و صداتر بود زودتر پاسخ گفته می‌شد. امسال باز هم

مقوله در بهارستان جمع و جور شد و الحمدا... مجریان هم به آن مهر تایید زدند که این پول را قبول داریم و همه شروع کردند از همان اول «میوه چیدن» یعنی هنوز نه به دار است و نه به بار است اما همه آن را تخصیص داده‌اند و حتی مصرف کرده‌اند.

یعنی از مسوولان اصلی می‌شنویم که «درمان رایگان شده» از عده‌ای می‌شنویم که «فرانشیز درمان حذف شده» از بعضی دیگر می‌شنویم یا در نامه‌های آنها می‌خوانیم که برای داروهای گران‌قیمت فلان بیماری و بهمان عارضه یارانه می‌دهیم و از بعضی دیگر می‌شنویم که بیماران با فلان عارضه دیگر غصه نخورند چون همه را مجانی درمان می‌کنیم. وقتی سراغ دلسوزان کارشناس حوزه سلامت می‌رویم، می‌گویند ما که نگفتیم، ما اصلا این حرف‌ها را قبول نداریم و اگر پولی دادند، ما بر مبنای عدالت تخصیص می‌دهیم و با مدیریت عادلانه هزینه می‌کنیم. ما نیازهای عام را می‌شناسیم و آن را بر نیازهای خاص ترجیح می‌دهیم. به هر حال هنوز پولی در کار نیست و سومین ماه از سال جاری هم رو به اتمام است و احتمالا خبر جدی نخواهد بود، اما با همان شاخص‌های عادلانه می‌توان فهمید که چه کسی به مردم توجه کرده و چه کسی به شاخص‌های سیاسی - اجتماعی، اقتصادی و حتی شرکتی و دارویی بیشتر نظر داشته است.

اما از دیدگاه کارشناسی:

اولا هنوز پولی در کار نیست.

ثانیا ارتقای سلامت فراموش شده است.

ثالثا پیشگیری از بروز بیماری‌ها از قلم افتاده.

رابعا در درمان که صدایش بلند است هم عدالت در پیچ و خم‌های تجارت و جهالت گم شده است و آنچه به عنوان مشکل مردم مطرح می‌شود یا مشکل نیست یا مربوط به مردم نیست و حتما بودجه ملی نباید برای این مساله یا مسایل مصرف شود.

سمنانی؛ تعداد کلمات: ۱۲۱۹، کد: ۰۶-۳۰۶ نمونه فوانی  سپید

خامسا موضوع طب تسکینی و حمایتی و توانبخشی که از قدیم و ندیم از قلم افتاده بود، امروز هم راه به جایی نبرده است. ما گفتیم و شما هم شنیدید که حالا چی شده؟ اما مطمئن باشید که «عدالت» هیچ‌گاه از چشم مردم دور نمی‌ماند و همه ناظر بر کارمان هستند.